



چرا صدای مردم شنیده نمی‌شود؟

صدای جمهور

حاشیه نگاری از تربیتون‌های مردمی بسیج دانشجویی



سها شعبانی
کارشناسی معماری

کشاورزان، مغازه‌داران، پستچی‌ها، تعمیرکارها، نجارها، کفاشها، دستفروش‌ها، زباله‌جمع‌کن‌ها و بسیاری دیگر ننشسته باشد، می‌تواند برای آنها کاری انجام دهد؟! آیا این کارها را نمیتوان «تخیل» خواند؟ تخیلی از خواسته‌های مردم و تخیلی از برآورده کردن خواسته‌های آنها!

این خلأ بدون رفتن در کنار عامه مردم پر نخواهد شد. این تخیل بدون شنیدن حرف‌ها و درد و رنج آنها واقعی نخواهد شد. اگر این اتفاق نیفتد، آن وقت از مسائلی دم خواهیم زد که خودمان دوست داریم، نه مردم؛ برای مسائلی سینه چاک خواهیم کرد که اصلاً برای مردم دغدغه نشده است هر چند به نظرمان درست و به‌جا باشد.

وقتی صحبت از جمهوری آن هم از نوع اسلامی میکنیم، دیگر صحبت‌های مردم جایش فقط در خانه یا پیش همکاران و دوستان نیست، بلکه باید در خیابان، پای تربیتون، بلند و رسا در تخاطب با مسئولین باشد. در «جمهوری اسلامی» صدای جمهور (مردم) مقدس است و هر کس که برای جمهوری اسلامی تلاش میکند باید با گوش جان این صداها و فریادها را بشنود.

«صدای جمهور» نام برنامه‌ای است که در چند ماه گذشته چندین بار در همین خیابانهای شلوغ تهران و برخی استان‌های دیگر اجرا شد. جمعی از دانشجویان با گذاشتن تربیتون در مکان‌های شلوغ شهر صدای این مردم را بلند کردند تا شنیده شود، تا شاید به گوش آنان که باید برسد - نمیدانیم چرا نمیرسد - آنها حلقه واسطی شدند برای طنین انداختن صدای اعتراض یک جوان از بیکاری، برای بلند شدن صدای نارضایتی و شکاف طبقاتی با مسئولین، برای شنیده شدن فریادهای خاموش یک کارگر بازنشسته از بی‌عدالتی و تبعیض،

شاید بارها از خیابان‌های شلوغ شهر گذشته باشید؛ شاید هر روز وقتی منتظر آمدن اتوبوس یا مترو هستید، عبور رهگذران را دیده باشید؛ شاید وقتی از چهارراهی می‌گذشتید، صدای نگاه‌های یک دستفروش را شنیده باشید؛ شاید تا به حال از کوچه‌ها که می‌گذشتید جوان‌های منتظری که به دیوار تکیه داده‌اند دیده باشید؛ شاید پیش آمده باشد جلوی پیرمردی که در خیابان بر روی کارت‌نم کشیده‌ای نشسته است با احتیاط چاله‌های آب پیاده‌رو را رد کرده باشید؛ شاید تا به حال مسیر امیرآباد به انقلاب را با گفت‌وگو با راننده تاکسی در مورد مسائل کشور طی کرده باشید؛ اما شاید هم هیچ یک از این اتفاقات برایتان نیفتاده باشد ولی حتماً در کتابها و در صحبت با دوستانتان در مورد «مردم» شنیده‌اید و خوانده‌اید. دیدن و شنیدن در مورد مردم شهر، اتفاقی است که برای هر کسی می‌افتد ولی چه کم‌اند کسانی که مردم را بفهمند...

خیلی از ما نخبگان (!) حرف از مردم می‌زنیم و برای مردم کار می‌کنیم، وکیل مدافع آنها می‌شویم و می‌خواهیم به مردم خدمت کنیم؛ اما شاید حتی یک بار هم از نزدیک با مردم حرف نزده ایم، یا اگر هم زده باشیم ولی صحبت‌هایشان را نشنیده ایم و از آن بدتر، شاید نخواسته‌ایم بشنویم. چقدر از ما دغدغه واقعی مردم را میدانیم؟ چقدر آنها را درک میکنیم؟ چطور کسی که حتی یک بار پای حرف کارگران،



مسئولین داشتند این کشور و این انقلاب را زمین میزدند ولی همین مردم نگذاشتند.

ای کاش میشد تمام مسئولین، نخبگان، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور را پای این تربیونها آورد تا فقط بدون هیچ صحبتی حرفهای مردم را بشنوند و بدانند که آناناند که از برای مردم در این جایگاه قرار دارند و آنچه بیش از هر چیز ارزش شنیده شدن دارد، این صحبتهاست و به گفته سعدی «پادشه، پاسبان درویش است / گرچه رامش به فر دولت اوست».

برای دیده شدن چهره خسته پرمردی از فاصله طبقاتی، برای گلابه جوانی که اهدافش تبدیل به آرزویی بیش نشدند، برای صدای قسم خوردن مردی رنج‌کشیده، برای دیده شدن مردم گله‌مند اما امیدوار، صدای خواهش‌های سربازی برای تکرار نشدن مسائل گذشته به دست خود مردم، صدای خانمی که معتقد بود با درست شدن شرایط، دین و ایمان به مردم برمیگردد و کیست که از فساد و بی‌اخلاقی در جامعه راضی باشد و هزاران درد در گلو مانده دیگر.

هر کس در پای این تربیون‌ها مدتی می‌ایستاد و صحبت‌های مردم را می‌شنید، فارغ از اینکه موافق با حکومت صحبت میکردند یا مخالف، متوجه چیزی بسیار ارزشمند می‌شد، آن هم دغدغه و علاقه مردم به کشورشان بود که باعث میشد در اوج گلابه‌ها بگویند اگر جنگ شود، ما حتماً به جنگ خواهیم رفت، باعث میشد کسی که می‌گفت از این کشور باید رفت، لحنش با ناراحتی و گله‌مندی فراوان همراه باشد، کسی که نظام را قبول نداشت می‌گفت ما امیدمان به شما دانشجویان و جوانهاست که کاری بکنید و مواردی دیگر که در عین ناراحتی می‌توانستی عشق و علاقه به کشور را نیز در آن ببینی. اینها برای هر فردی غرور آفرین است، غرور از وجود چنین مردم شریفی، که به قول یکی از دوستان، شاید بارها



انتخاب شهردار به مدت ۴ سال، بررسی و شناخت کمبودها و نیازهای شهر و تهیه طرح‌های پیشنهادی، برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در امور شهری، مسائل مربوط به بودجه شهر و نظارت بر شهرداری و ارائه مجوز به نهادهای شهری و نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری به عنوان مهم‌ترین وظایف این شورا اشاره کرد. همین بررسی سرانگشتی حیطة اختیارات شوراهای، حجت خوبی بر موقعیت استراتژیک آن است. در حوزه انتخاباتی تهران، ری، اسلامشهر و پردیس ۲۲۹۲ نفر احراز صلاحیت شده‌اند و در حال حاضر کد انتخاباتی برایشان صادر شده‌است. این در حالی‌ست که کرسی‌های خیابان بهشت تنها از آن ۲۱ نفر از این جمع خواهد شد و به دلیل وجود نظام اکثریتی شانس حضور احزاب مختلف در شورا به صفر می‌رسد و این مسئله ریسک انتخابات را بین نامزدها بالا برده است. وجود این تعداد کاندید، کار را برای شهروندان تهرانی هم سخت کرده‌است، چون عملاً امکان بررسی فرد به فرد

شورای شهر؛ جولانگاه احزاب سیاسی



گفتاری در باب لیست‌بندی‌های انتخابات شورای شهر

فاطمه امانکاه
کارشناسی علوم سیاسی

«شوراهای را محل تسویه حساب حزبی و جناحی و بانندی قرار ندهید و بگذارید شوراهای برای مردم کار کنند.» این جمله‌ای‌ست که رهبر انقلاب بارها در خصوص شورای شهر مطرح کرده‌اند. اما چیزی که در عمل پیش از انتخابات شوراهای می‌بینیم کاملاً برخلاف این مسئله است و احزاب سیاسی شاهراه ورود به شوراهای محسوب می‌شوند. شورای شهر، مهم‌ترین پارلمان محلی در ایران محسوب می‌شود. اساساً وظایف شوراهای دو وجه کلان دارد؛ یک وجه، قانون‌گذاری در حیطة مدیریت شهری‌ست، و دیگری، وجه نظارتی بر نهادهای شهری. بر اساس ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور، می‌توان به



و جایگاه تخصصی شوراهای را غباری از سیاست‌زدگی می‌آید. در ادامه خوب است اشاره‌ای داشته باشیم به عملکرد شورای اصلاح‌طلب پنجم؛ این شورا از همان ابتدا با چالش‌های جدی همراه بود. از مهم‌ترین حواشی آن می‌توان به انتخاب شهردار و تعویض چندباره آن اشاره کرد. همچنین، با وجود هم‌راستابودن دولت و شورا از لحاظ حزبی، شاهد اختلافات زیادی میان آن دو بوده‌ایم. مشخصاً اعضای شورای پنجم بخش عمده‌ای از کاستی‌هایشان را عدم همکاری دولت و بی‌توجهی آن نسبت به سیاست‌گذاری‌های شورا و مسائل مالی آن عنوان کرده‌اند. از جمله معیارهای سنجش عملکرد شوراهای می‌توان به خدمات عمرانی شهری اشاره کرد. در دوران این شورا، حتی یک واگن مترو به خطوط مترو شهر تهران اضافه نشد و راه‌اندازی تونل آرش تنها پروژه عمرانی این شورا بود. در این چهار سال تلاش چشم‌گیری برای پایین آمدن سطح آلودگی هوا و مسائل مربوط به کرونا انجام نشد، به طوری که عملاً سلامت شهر در مرز خطر قرار دارد. و اما از جمله نقاط قوت این شورا می‌توان به سامانه شفافیت معاملات شهرداری تهران، تصویب جریمه هفت برابری برای سد معبر ساختمان، تعیین تکلیف پروانه عملیات ساختمانی و گواهی پایان کار کلیه ساختمان‌های در تملک شهرداری تهران اشاره کرد. با وجود امکانات و شرایط موجود و هم‌سویی با دولت، باز هم عملکرد شورای پنجم عملکرد قابل دفاعی نیست. حالا باید دید با توجه به کارنامه اصلاح‌طلبان در شورای شهر و معادلات انتخابات ریاست‌جمهوری آیا مردم مجدداً مدیریت این شورا را به آنها واگذار خواهند کرد یا خیر؟ و اما در پاسخ به پرسش دوم و مسئله لیست‌بندی‌ها، باید گفت احزاب سیاسی لیست شوراهای شهر را هم بر مبنای معادلات سیاسی تنظیم می‌کنند. مسئله ما این نیست که شورا باید صرفاً از کسانی تشکیل شود که سابقه علمی و تخصصی دارند و به هیچ عنوان بحث‌های سیاسی در شورا مطرح نیست، بلکه می‌پذیریم به دلیل وجود سازوکارها و سیستم‌های موجود در شوراها توجه به خط مشی سیاسی افراد هم حائز اهمیت است؛ اما محل نقد اینجاست که در حال حاضر کفه سیاسی بودن بسیار سنگین‌تر از کفه متخصص بودن است. شورای ائتلاف انقلابیون بعد از بررسی‌های طولانی در نهایت «دو» لیست را معرفی کرده‌اند که پرسش‌های زیادی را در افکار عمومی ایجاد کرده‌است. معیار این شورا برای ارائه لیست دقیقاً چیست؟ آیا نسبت فAMILI، امتیازی برای حضور در این لیست‌ها محسوب می‌شود؟ پس از درخواست‌هایی

وجود ندارد و علاوه بر نبود امکان، اساساً دغدغه‌ای هم برای شناخت رزومه افراد وجود ندارد و بستری برای این امر شکل نگرفته‌است. ساده‌ترین پیشنهاد برای رای‌دهندگان رأی لیستی به لیست‌های عجیب حزبی‌ست؛ با این که اساساً حیطة کاری شوراهای شهر نباید سیاست‌زده باشد و کرسی شوراهای باید از آن متخصصان این حوزه باشد. در عین حال در لیست‌بندی‌ها هم شاهد حضور افراد کاردان در این حوزه نمی‌باشیم. احزاب سیاسی بنا بر اقتضای حیطة فعالیت‌شان و داشتن رسانه‌های قوی‌تر، اساساً به نسبت سایر احزاب و گروه‌ها توان بسیج عمومی جدی‌تر دارند، از همین رو در فضای انتخابات‌های شورای شهر تهران آن چیزی که دیده می‌شود، همین دو سه لیستی‌ست که اصلی‌ترین جناح‌های سیاسی کشور یعنی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان ارائه می‌کنند. اینجا دو سوال اساسی مطرح است. نخست آنکه آیا اصلاح‌طلبان و اصولگرایان هنوز قدرت و توان این را دارند که از رأی مردم به عنوان پلی برای رسیدن به کرسی‌های خیابان بهشت استفاده کنند؟ و پرسش دیگر اینکه این لیست‌ها بر چه مبنایی تنظیم می‌شود؟ برای پاسخ به پرسش اول باید مسئله را از دو جهت مورد ارزیابی قرار داد. اول مقبولیت احزاب میان مردم و دوم بررسی عملکرد شورای پنجم که شورای یک‌دست اصلاح‌طلب بود. هم‌زمان بودن انتخابات شوراهای با انتخابات ریاست‌جمهوری از جهتی به مشارکت در انتخابات شوراهای کمک می‌کند و از طرفی، کیفیت این انتخابات را پایین می‌آورد. از آنجا که در اذهان عمومی، انتخابات ریاست‌جمهوری از اهمیت بیشتری نسبت به انتخابات شوراهای برخوردار است حضور مردم پای صندوق‌های رأی برای انتخاب رئیس‌جمهور بهانه خوبی‌ست برای اینکه افراد برگه رأی به شوراهای دریافت کرده و به اصطلاح با یک تیر دو نشان بزنند. اما سایه انتخاب سیاسی رئیس‌جمهور بر انتخابات شوراهای سنگینی می‌کند، چون مردم شناخت کافی نسبت به کاندیداهای شوراهای را ندارند و ترجیح می‌دهند به لیستی رأی دهند که مورد تایید و هم‌راستا با انتخابشان برای ریاست‌جمهوری باشد. البته این یک تحلیل کلی‌ست و اقلیتی را که با شناخت نسبت به افراد، چه بر مبنای تخصص و چه بر مبنای آشنایی خانوادگی رأی می‌دهند، در نظر نمی‌گیریم. اینجاست که لیست جناح‌ها اهمیت پیدا می‌کند. با وجود عملکرد ضعیف احزاب سیاسی، انتخابات در ایران معمولاً در چارچوب دوقطبی‌های حزبی تعریف می‌شود. وقتی در روزهای آخر دعوای بین دو جناح بالا می‌گیرد، افراد به دنبال رأی سلبی به سمتی کشیده می‌شوند که به فلانی رأی بدهند تا «دیگری» پیروز نشود. همین منطق به انتخابات شوراهای کشیده می‌شود که به فلان لیست رأی بدهم تا دیگری را راهی شورای شهر نکنم، ولو اینکه آن لیست واجد شرایط نباشد. اینجا کارزار انتخابات است و اصل بر برد و باخت است. بنابراین، به لیست رأی داده می‌شود تا جناح مورد نظر پیروز میدان باشد؛ حالا فرقی نمی‌کند چه کسانی با چه سوابقی در لیست قرار گرفته باشند. نتیجتاً نمی‌توان گفت که این منطق لیستی رأی‌دادن به دلیل قدرت بی‌دلیل احزاب است بلکه شرایط و وضعیت اقتضا می‌کند که چینش شوراهای هم‌راستا با انتخاب مردم برای ریاست‌جمهوری باشد و همانطور که مطرح شد، این مسئله، مشارکت در شوراهای را بالا می‌برد اما در مقابل از کیفیت سنجش و بررسی افراد برای ورود به شوراهای می‌کاهد

به ساختار است که نسبت به شناخت دقیق افراد ظرفیتی را ایجاد نکرده است و بخش دیگری، سیاست‌بازی‌های رؤسای این ائتلاف‌ها می‌باشد. این دوره نیز مانند دوره‌های گذشته لیست‌ها از استاندارد منطقی پیروی نمی‌کنند. اگر می‌خواهند اقبال عمومی را به سوی این لیست‌ها ببرند، لازم است نسبت به رزومه تک تک افراد حاضر در لیست شفاف‌سازی شود. خارج از دو جناح اصولگرایی و اصلاح‌طلبی، لیست‌های دیگری که معیارهای قابل بررسی بیشتری هم دارند ارائه شده‌است که به دلیل عادت‌های سیاسی مردم تا به امروز اقبالی در انتخابات‌ها نداشته‌اند اما با توجه به عملکرد ضعیف و غیرشفاف دو جناح اصلی کشور امروز همان روزی‌ست که عادت‌ها باید به کنار برود و به لیست‌های بی‌اساس ائتلاف‌ها «نه» قاطعی گفته شود و توجه ویژه‌ای به سایر افراد و گروه‌های متخصص که از توانایی و شایستگی بیشتری برخوردار هستند انجام بگیرد و نقطه پایانی بر رانت‌بازی انتخابات شوراها باشد.

مبنی بر جوانگرایی در لیست شوراهای قبل، امسال با لیستی مواجه هستیم که مرزهای جوانگرایی را جابه‌جا کرده است. آیا بودن افرادی در لیست که هیچ سابقه اجرایی جز فرزند یا داماد فلانی بودن ندارند، حجتی بر توجه آقایان به مطالبه جوان‌گرایی‌ست؟ نام نرجس سلیمانی نیز این روزها هجمه‌های زیادی را به این لیست وارد کرده‌است که پاسخ‌ها چیزی جز مصلحت‌اندیشی‌های قیم‌مآبانه برخی از پدرخوانده‌ها نیست. نامی که پیش از این، وقتی با انتخابات گره می‌خورد، ما را به یاد جمله معروف «من نامزد گلوله‌ها هستم» می‌انداخت؛ هم‌نامی نشانه هم‌ترازی نیست. اما مسئله اصلی ما هم این حواشی نیست. مسئله اصلی ما کنش بر مبنای شایسته‌سالاری‌ست. مسئله تجربه و عملکرد است. مسئله لیست‌بندی‌های بی‌شاخص است. لیستی ارائه می‌شود و صرف اینکه افراد در آن لیست قرار می‌گیرند، ارزش محسوب می‌شود. اگر لیستی ارائه می‌کنند باید رزومه و تجربه افراد نیز در آن لحاظ شود. بخشی از این مسئله ناظر



-یعنی سیره سیاسی معصوم و اصول عقاید شیعی- نیز در تضاد با این جمع هستند که در ادامه به آن می‌پردازیم. «غصب» مفهومی است که در ادعیه و همچنین سنت فکری شیعی جایگاه مهمی دارد و به معنای «تسلط جبارانه بر مال یا حق دیگری» است. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم «بیزاری نمودم از جبت و طاغوت و شیاطین و گروهشان، آن ستم‌کنندگان شما و منکران حقتان و خارج شدگان از ولایتتان و غصب‌کنندگان میراثتان...» این زیارت توسط امام هادی(ع) نقل شده است. در آن دوران، تشیع در اقلیت بوده و چارچوب فکری جهان اسلام و جریان اصلی آن دوران را اهل سنت شکل می‌دادند که به امامت حضرت هادی(ع) اعتقاد نداشتند و از خلیفه عباسی اطاعت می‌کردند. به عبارت بهتر، مفهوم غصب علاوه بر حاکمان دوران، اشاره به اکثریتی که خلافت عباسی را پذیرفته بودند نیز اطلاق می‌شود. علاوه بر این مورد، ما در ادبیات قرآنی با مفهومی به نام طاغوت مواجه هستیم. این مفهوم از ریشه «طغی» و به معنای سرکشی و طغیان کردن است و در قرآن به معنای حاکم یا فردی است که از احکام و دستورات خداوند سرکشی کرده باشد. حال این چه ارتباطی با بحث ما دارد؟ بنا بر اعتقاد تشیع، واقعه غدیر، واقعه‌ای بود که در آن علی(ع) توسط خداوند به امامت منصوب و منتخب

امامت و دموکراسی؛ منشا و مسیری متفاوت



تفاوت مؤلفه‌های دموکراسی و نظام امت و امامت

عرفان علمشاهی
کارشناسی علوم سیاسی

اسلام دینی است که بنا بر اعتقاد غالب پیروانش و مخصوصاً شیعیان، باید علی‌رغم واقعیات سیال تاریخی، در طول تاریخ جریان داشته باشد. با اینکه چگونگی این جریان و انعطاف آن در برابر تحولات و مقتضیات عرصه سیاست، تاکنون پرسش مهمی برای اندیشمندان تشیع بوده است، با این حال اصول کلان امامت (همچون نصب الهی معصوم به حکومت و غصب مقام آن توسط مردم و...) در تاریخ تشیع در مقابل واقعیات سیاسی زمان خود بوده و انعطاف نداشته‌اند. اما در دوران معاصر و به دلیل ظهور پارادایم دموکراسی در اندیشه سیاسی در سطح جهان، بررسی این انعطاف اهمیت بیشتری یافته است. زیرا تا قبل از ورود اندیشه سیاسی مدرن به درون جوامع شیعی، حداقل در اصول کلان اندیشه سیاسی تشیع چه در میان متکلمین و چه فلاسفه و فقها- تقریباً وحدت نظر وجود داشت. اما در دوران معاصر، اندیشه جمع میان دموکراسی یا به طور کل، تجدد با اسلام تبدیل به امری خلاف‌آمد نسبت به سنت سیاسی قدامت‌گرای شیعی شده است. علاوه بر این دو محور اصلی در اندیشه امامت شیعی

لطف است. به این معنا که متفکرین شیعی در طول تاریخ لطف را به معنای عطیه‌ای از جانب خداوند برای سعادت و هدایت انسان دانسته‌اند و امامت را در بستر مفهوم لطف بررسی کرده‌اند. به عبارت بهتر امامت عطیه‌ای از جانب خداوند برای هدایت انسان‌هاست. زیرا انسان‌ها به تنهایی نمی‌توانند راه سعادت خود را پیدا کنند و بنابراین به لطف الهی نیازمندند. این مفهوم دقیقاً در برابر آرمان روشننگری قرن ۱۸ در غرب که حکومت‌های مردمی در بستر آن شکل گرفته‌اند قرار دارد. به عنوان مثال، کانت در مقاله «روشننگری چیست؟» روشننگری را دوره‌ای بیان کرد که انسان‌ها با عقل خود می‌توانند زندگی و سرنوشت خود را در دست بگیرند و از نظامات پدرسالارانه و استبدادی خارج شوند. اما در سنت سیاسی شیعی بر عدم توانایی مطلق عقل انسان و فطرت او که دارای اختلاف و نقصان است، برای رسیدن به سعادت نهایی تأکید می‌شد. اساساً در تشیع، امامت و دیانت از یکدیگر جدا نیستند؛ زیرا هر دو برای تکمیل عقول ناقص انسان‌ها هستند. هدف یکی، هدف دیگری نیز می‌باشد. غصب، نصب الهی، لطف، حاکمیت الهی در اندیشه سیاسی تشیع- یا همان امامت- دقیقاً مفاهیمی هستند که در برابر دموکراسی قرار می‌گیرند. اما آیا این به معنای تبدیل حکومت معصوم به دیکتاتوری است؟ می‌توان گفت تقریباً جمیع اندیشمندان شیعی- چه متکلمان و چه فلاسفه- با تشکیل حکومت معصوم بوسیله تغلب و تحمیل آن به مردم مخالف بودند. چه متکلمی همچون شیخ صدوق و یا فیلسوفی همچون فارابی که صراحتاً به این نکته اذعان داشته‌اند. این عقیده از آن جهت است که هدف حکومت معصوم همانطور که در توضیح قاعده لطف گفته شد، هدایت است و این هدایت به وسیله تغلب محقق نمی‌شود. به عبارت دیگر، در این اندیشه دموکراسی از ارزش به روش تقلیل پیدا می‌کند.

شد. اما این صرفاً یک انتخاب الهی نبود. بلکه خداوند آن را تحت عنوان عامل تکمیل دین (مائده ۳) و ابلاغ آن را تمام کننده رسالت پیامبر (مائده ۶۷) آورده است. شأن نزول این آیات با واقعه غدیر، نکته‌ای است که بعضاً علما و تاریخ‌دانان اهل سنت همچون ابن سعید خدری، طبری یا در مناقب خوارزمی و... به آن اشاره کرده‌اند. البته ما قصد نداریم در اینجا به اثبات این نکته پردازیم؛ زیرا افرادی چون علامه امینی و دیگر افراد به تفصیل در این باره پرداخته‌اند و هدف ما از این نوشتار این نیست. اما هنگامی که متوجه این نکته بشویم که این انتخاب الهی بخشی از دستورات دینی است که سرکشی از آن باعث ایجاد حکومت طاغوتی می‌شود - حال چه این سرکشی توسط نظر اکثریت انجام شود و چه نشود - تغییری ایجاد نمی‌کند - بنابراین، فرض معقولی نیست که صحبت از امتناع جمع اسلام و حکومت طاغوتی بکنیم ولی از جمع اسلام و دموکراسی سخن بگوییم. زیرا در دموکراسی این عنصر نهفته است که هر چه باشد حقیقتی و مشروع است؛ حتی اگر برخلاف دستورات الهی باشد. شیعیان بنابراین نصب الهی، یک رابطه‌ای طولی بین حق حاکمیت خداوند، و امام قرار داده‌اند. بدین صورت که خداوند در تعیین سرنوشت مخلوق مُحق و امامت معصوم را در طول این حق قرار داده است. این عقیده در برابر عقیده تفکرات فردی همچون جان لاک قرار دارد که در کتاب «رساله دوم درباره حکومت» صحبت از حقوق طبیعی می‌کند که مستقیماً از جانب خداوند به تمامی افراد داده شده است و مبنایی برای قرارداد اجتماعی افراد برای تشکیل حکومت است.

از سوی دیگر، مفهوم مهم دیگری که در تاریخ اندیشه سیاسی شیعی و در بحث‌های کلامی متکلمین همچون شیخ مفید و یا سید مرتضی علم الهدی و... نیز به آن اشاره شده است، مفهوم قاعده



دیپلماسی اقتصادی



بررسی اهمیت دیپلماسی اقتصادی در کاهش مشکلات معیشتی

سعید محمدی
کارشناسی فلسفه

آمریکا و از طرفی، با سیاست فشار حداکثری دولت آمریکا و عدم بلور دولت غیرانقلابی تدبیر و امید به حل مشکلات و معضلات از طریق ظرفیت‌های داخلی، اوضاع معیشتی و رفاه مردم بدتر شده است. به نحوی که بخشی از مردم قدرت تامین نیازهای اساسی و قدرت خرید کالاهای اساسی را ندارند. بعضی از دولت‌های دارای خوی استکباری و استعماری همچون آمریکا و انگلیس از مردم و حکومت ما می‌خواهند از آرمان‌های مردمی و الهی انقلاب اسلامی خود دست بکشند که شاید ذره‌ای با بازشدن درهای واردات و صادرات مواد خام، اوضاع اقتصادی ما بهتر شود؛ مسلم است عقاید و ارزش‌های اسلامی و روحیه ملی ما ایرانیان که در طول تاریخ این مرز و بوم وجود داشته

یکی از اصلی‌ترین شعارهای مردم ایران در انقلاب اسلامی استقلال بوده است. آن زمان که مردم ایران ندای استقلال سر می‌دادند، مراد آن‌ها ابعاد گوناگون استقلال اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... بوده است. هرچند با توجه به شرایط ۱۰۰ سال پیش از انقلاب اسلامی، جنبه سیاسی استقلال خواهی مردم ایران پررنگتر بوده است. می‌دانیم که حکومت الگو برای امامین انقلاب اسلامی و متفکران و نظریه‌پردازان همراه و متأثر از آن‌ها، حکومت قرآنی و به طور عینی‌تر حکومت پیامبر(ص) و حضرت امیر(ع) بوده است که در این نوع از حکومت، ضمن توجه به موضوعات فکری، معنوی و اخلاقی، رفاه، معیشت و امور اقتصادی مردم نیز اهمیت بسیاری دارد. اکنون که ۴۲ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد، با وجود تمام پیشرفت‌ها در حوزه‌های گوناگون از جمله اقتصادی، ولی این سال‌ها و روزها اوضاع معیشتی و رفاه مردم چندان تعریفی ندارد. دولت‌های یازدهم و دوازدهم با مدیریت جناب دکتر روحانی با اجرای سیاست‌های اقتصادی غیرکارشناسی، هیجانی و غیراصولی و بناکردن تمام برنامه‌های دولت خود بر توافق برجام و در جهت روابط حسنه با کدخدای دهکده جهانی یعنی دولت استکباری





تنظیم کنند که بدانیم در سال‌های آینده ایران چه سهمی از بازار و واردات کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکایی و بویژه همسایگان را دارد.

از طرفی در ایران ما جوانان و اقشار زیادی هستند که از جهت علمی یا مهارت‌های لازم، توانایی فراوانی جهت فعال‌تر کردن دیپلماسی اقتصادی دارند. در صورتی که دولت و سایر نهادهای مربوطه حمایت‌های حقوقی، مالی، تسهیلات و ... را از سازمان‌ها، تشکلهای و گروه‌های مردم نهاد کنند شاهد خواهیم بود که صادرات ایران بطور چشمگیری افزایش خواهد یافت و در این صورت، جمهوری اسلامی ایران سهم بسیار بیشتری از یک ده هزارم واردات قاره آفریقا را خواهد داشت. (قاره آفریقا حدوداً شش هزار میلیارد دلار واردات دارد که ایران فقط سهم ۶۰۰ میلیون دلاری دارد) و در صورت انجام حمایت‌های لازم، سهم ایران از بازار و واردات ۱۵ کشور همسایه خود بسیار بیشتر خواهد بود. باید این نکته را در نظر گرفت که مردم کشورهای همسایه ما، اشتراکات فراوان دینی، مذهبی، زبانی، فرهنگی و ... با مردم ایران دارند و همه این مولفه‌ها می‌توانند در تسهیل مبادلات و تجارت بین‌الملل نقش مهمی ایفا کنند و باعث شوند در صورت تدابیر لازم، سازمان‌های مردم نهاد و بخش‌های دیپلماتیک، خیلی آسان‌تر بتوانند دیپلماسی اقتصادی ما را فعال کنند و منافع و سودهای آن را عموم مردم ایران بر سر سفرهای خود ببینند.

ایران اکنون گنجینه‌ای است از محصولات کشاورزی و خشکبار ناب اعم از پسته، زعفران، خرما، زرشک و ... که هر کدام ظرفیت صادراتی بسیار بالایی دارند؛ سرشار از معادن و سوخت‌های فسیلی، سرشار از تولید مصالح ساختمانی اعم از سرامیک، کاشی، موزائیک و ... و لبریز از محصولات صنعتی است. بی‌شک در صورت حمایت لازم از جوانان و مردم ایران در دولت آتی، می‌توانیم با فعال‌تر کردن دیپلماسی اقتصادی و افزایش سهم خود در بازار پاکستان، افغانستان، عراق و بقیه همسایگان و کشورها، تا حد زیادی بر مشکلات اقتصادی خود فائق آییم و اعتمادی که در اثر بی‌تفاوتی مسئولین نسبت به مشکلات معیشتی مردم در این چند سال خراشیده شده است، ترمیم کنیم.

است، به ما اجازه نمی‌دهد که در مقابل سیاست‌های زورگویانه و خصمانه آمریکا تسلیم شویم و خاک و سرزمین خود را در ابعاد گوناگون، چون رژیم پهلوی در اختیار آن‌ها قرار دهیم. از طرفی ادامه مشکلات و معضلات اقتصادی و معیشتی در سال‌ها و دهه‌های آینده می‌تواند چالش‌های جدی‌تری را برای نظام جمهوری اسلامی ایجاد کند.

می‌توان گفت که با وجود دشمنی آشکار دولت‌های آمریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و ... با مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی و سعی آن‌ها در افزایش موانع بر پیشرفت اقتصادی جمهوری اسلامی، برای حل مشکلات و معضلات اقتصادی و بهبود معیشت و رفاه مردم، باید براساس دو محور عمل کنیم: اول آنکه بر تمامی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی اعم از منابع زیرزمینی، معادن، محصولات کشاورزی، سوخت‌های فسیلی و انرژی‌های تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاران و نیروهای متخصص داخلی و ... تکیه کنیم که بی‌گمان، تا این لحظه متوجه این امر شده ایم که این امر نه یک شعار، بلکه با پشتوانه فکری انجام می‌گیرد و در هر حوزه‌ای که این رویه پیش گرفته شده است، با وجود سختی‌ها، نتیجه‌ای خوشایند گرفته‌ایم. دوم آنکه روابط و تعامل سازنده اقتصادی، مبادلات، تجارت بین‌الملل و دیپلماسی فعال اقتصادی با کشورهای دنیا بویژه کشورهای آسیایی، آمریکای لاتین، آفریقا، کشورهای اسلامی و در بین این کشورها بویژه با ۱۵ کشور همسایه ایران باید جدی گرفته شود و خود را محصور در چند کشور اروپایی و آمریکایی قلدر نکنیم که پایبند به هیچ گونه تعهدی نبوده و نیستند.

یکی از دانش‌ها و فنونی که در قرن بیستم در دنیا مطرح شده است و در قرن بیست و یکم به طور جدی مورد تاکید کشورها واقع شده است، دیپلماسی اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی، مجموعه‌ای از اقداماتی (روش‌ها و فرایندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی) است که با فعالیت‌های اقتصادی برون‌مرزی نقش آفرینان دولتی و غیردولتی در جهان واقع ارتباط دارد. این فعالیت‌های اقتصادی شامل سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، کمک و اعانه، مهاجرت و ... می‌شوند.

به طور کلی، وظیفه یک دولت نسبت به دیپلماسی اقتصادی دو بخش است: اول، ایجاد بخش(های) دیپلماتیک و روندها و سازوکارهای قانونی و حقوقی مورد نیاز جهت انجام دیپلماسی اقتصادی و دوم، حمایت از تشکلهای و سازمان‌های مردمی که در حوزه دیپلماسی اقتصادی و تجارت بین‌الملل فعال‌اند.

اگرچه که خیلی دیر اما حدوداً سه سالی است که معاونت دیپلماسی اقتصادی در وزارت امور خارجه ایجاد شده است ولی متأسفانه گزارشی از عملکرد این معاونت در دسترس نیست و ارتباط ایشان با رسانه‌ها جالب نبوده است. امید است در میانه این جنگ اقتصادی علیه ملت ایران، با تلاش مضاعف دولت، وزیر امور خارجه و معاونت دیپلماسی اقتصادی، در دولت بعد دیپلماسی اقتصادی رسمی ما بسیار فعال‌تر شود، به نحوی که اینگونه نباشد ما در کشورهایی چون چین و هند که در این شرایط تحریمی مبادلات اقتصادی فراوانی داریم، برای چندین ماه سفیر نداشته باشیم! چه برسد به رایزن اقتصادی و بازرگانی. نیاز هست که نهادهای مربوطه بویژه معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه سندهایی جامع و راهبردی



برای مردم



فائزه شاملو

بررسی ساز و کارهای شرکت مردم در روند حکمرانی

کارشناسی ارشد حقوق عمومی

ریاست جمهوری را نظارت نماید و به عبارتی، امنیت و مصلحت جامعه بر اساس ادعاها تضعیف و قربانی نشود. اگر برای تایید صلاحیت، برنامه های جامع کاندیدای ریاست جمهوری همان بدو امر مورد مذاقه و بررسی همه بعدی قرار گیرد و عملی شدن آن، از ابعاد گوناگون با عنایت به وضعیت فعلی جامعه بررسی شود و همین امر یکی از ملاک های تایید صلاحیت کاندیدای ریاست جمهوری باشد، نامزد ها نسبت به تک تک وعده های انتخاباتی خود، حساس خواهند شد. حتی می توان در جوامع نخبگانی برنامه ها را بررسی نمود و نقاط ضعف و قوت آنها را شناخت. برنامه های کاندیداها و جلسات مناظراتی می تواند در همین راستا و در راستای شفاف سازی باشد و نه صرفاً نمایش انتخاباتی! عدم داشتن برنامه جامع و عملیاتی برای وضعیت کنونی جامعه و عدم ارزیابی آن، آسیب های جدی و جبران ناپذیری به بار خواهد آورد که آسیب جدی را به نظام و حاکمیت وارد می نماید. شاید به نظر چهار سال و یا هشت سال باشد اما سیستم مدیریتی کشور را با چالش جدی روبرو می نماید که جبران آن چندان کار آسانی نیست.

همین امر در سایر انتخابات ها نیز قابل مشاهده است. در انتخابات خبرگان رهبری، نظارت جامعه پس از انتخابات مبهم می باشد و ساز و کار مشخصی در قانون اساسی و سایر قوانین مربوط به انتخابات در خصوص نظارت درون سازمانی و برون سازمانی ملاحظه نمی شود. مشارکت در نظارت بر منتخبین جامعه و شفافیت در عملکرد نمایندگان و ارائه گزارش جامع در بازه های زمانی معین می تواند اعتماد آحاد جامعه را جلب نماید. حتی امکان پرسش و پاسخ را از راه های ارتباطی مشخص و رسمی از مسئولان ذیربط می توان فراهم نمود. افزایش ضریب امنیت برگزاری انتخابات نیز دغدغه بسیار مهمی است که با فراهم نمودن بسترهای سخت افزاری و قانونی (نرم افزاری) برگزاری انتخابات الکترونیکی راهکار مناسبی به نظر می رسد. البته بایستی از مخفی بودن رای صیانت شود و گزارش برخط شمارش تعداد آرا نیز در دسترس باشد.

شرکت حداکثری اعضای جامعه در انتخابات، بیانگر نقاط مثبت و متعالی آن جامعه و حکمرانان آن تلقی می شود. نظام های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم و افراد جامعه استوار می شوند و اعتبار پیدا می کنند. به عبارتی، استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت حداکثری مردم است. این مشارکت در قالب های مختلفی شکل می گیرد؛ از جمله شرکت مردم در انتخابات، حساسیت نسبت به جریان امور جامعه و غیره. اما به نظر می رسد امروزه و با توجه به فناوری های ایجاد شده، می توان بسترهای مشارکت مردمی را ارتقاء داد. با این هدف که هم مشارکت مردم جامعه در حکمرانی و اداره امور کشور بالاتر برود و سرمایه اجتماعی حاکمیت افزایش پیدا کند و هم از ظرفیت میلیونی مردمی جامعه برای پیشبرد امور استفاده گردد.

در حال حاضر، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و همچنین شورای شهر با فاصله زمانی مشخص برگزار می شود و هر چه میزان مشارکت مردم بیشتر باشد، مشروعیت حاکمیت خود را بیش از پیش در داخل و خارج از کشور نشان می دهد.

اما برگزاری انتخابات با چالش های متعدد و جدی روبرو بوده است؛ از جمله تقسیم بندی حوزه های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی که مکرر محل ایراد و اشکال بوده است و یکی از انتقادهای جدی در حوزه انتخابات مجلس شورای اسلامی، تقسیم بندی کرسی های مجلس به استان های مختلف است.

در انتخابات ریاست جمهوری ضعف موجود، بیشتر نظارتی است؛ سیستمی که بتواند صد در صد سلامت انتخابات را تضمین نماید و اغتشاشات بعدی آن و حتی ادعاهای کاندیداها



اگر بخواهیم تعریفی از انتخابات الکترونیکی (e-voting) ارائه دهیم، باید بگوییم سامانه‌ای انتخاباتی است که به رأی دهنده این امکان را می‌دهد تا با بالاترین ضریب امنیتی و حفاظتی، رأی خود را به صورت الکترونیکی ارائه کند. در انتخابات الکترونیکی تمامی یا حداقل یکی از مراحل انتخابات، نظیر رأی دادن و شمارش و اعلام آرا به صورت کاملاً مکانیزه الکترونیکی و با کمک رایانه انجام می‌شود.

البته در کشورمان نیز از سالها پیش، به استفاده از شیوه‌های نوین در برگزاری انتخابات به صورت کلی توجه شده است. اما این توجه از صرف بیان کلی امکان استفاده از رایانه یا بهره‌گیری از شیوه‌های نوین جهت برگزاری انتخابات فراتر نرفته است و زیرساخت‌های لازم فراهم نگردیده است.

امید است با فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم، ضعف‌های موجود در زمینه برگزاری انتخابات، شفافیت و نظارت انتخاباتی برطرف گردد و از آثار و تبعات سوء از جمله اغتشاشات پسا انتخاباتی تا حد امکان جلوگیری گردد تا جامعه متضرر نشود.

انتخابات به صورت کلی توجه شده است. اما این توجه از صرف بیان کلی امکان استفاده از رایانه یا بهره‌گیری از شیوه‌های نوین جهت برگزاری انتخابات فراتر نرفته است و زیرساخت‌های لازم فراهم نگردیده است.



روحانی از این منظر است که ایشان خود از پیشگامان طرح چنین موضوعاتی بوده‌اند؛ از وعده وزیر زن گرفته تا وعده ورود بانوان به ورزشگاه‌ها در سال ۹۶ که هیچ کدام محقق نشدند.

این گسل‌های انتخاباتی به مسائل حوزه زنان هم محدود نمی‌شود؛ نمایان شدن رسیدگی به مطالبات اقوام و مذاهب در زمان انتخابات، مصداق استفاده ابزاری از انسجام اقلیت‌هاست. نفوذ به شبکه منسجمی از افراد منجر می‌شود کنش همگانی در آن شبکه تقویت پیدا کند، فلذا پیداکردن گروه‌های حساس و اغوا کردن آنها با وعده‌های بعضاً غیرممکن در زمان انتخابات به کرات رخ می‌دهد.

مشارکت کاذب

فضای مجازی به علت ماهیت گزارش‌محوری که دارد، می‌تواند بستری را برای دیده شدن وعده‌های بعضاً رویایی نامزدها فراهم کند. بستر فراهم شده برای گزاره‌های شاذ و وعده‌های عجیب و غریب منجر به شکل‌گیری برخی

گسل‌های انتخاباتی؛ پاشنه آشیل نامزدها



فاطمه خداپننده

نگاهی به شعارهای انتخاباتی نامزدها و حافظه تاریخی مردم

کارشناسی علوم سیاسی

«چقدر زنان در این چند روز خوب شدند! حقوق خانم‌ها، احترام به خانم‌ها و جوان‌ها مطرح شده است؛ چطور در این مدت خانم‌ها نبودند، فقط این روزها خانم‌ها پیدا شدند و خیلی مورد احترام هستند. اقوام، اقلیت‌ها چقدر خوب شدند، شیعه و سنی چقدر با هم برادر و متحد شدند. چیزهای خوبی هم الحمدالله این روزها هست.»

اگر دچار عارضه‌ای از دست‌رفتن «حافظه تاریخی» نشده‌باشید احتمالاً با شنیدن این صحبت‌ها از آقای روحانی، بسیار تعجب می‌کنید. مسئله زنان به مثابه یکی از گسل‌های انتخاباتی که هر چهار سال یک بار فعال می‌شود، در دوره‌های اخیر انتخابات ریاست جمهوری در تقلیل‌یافته‌ترین سطح خود توانسته سکوی پرشی برای نامزدهای انتخاباتی باشد. تعجب از صحبت‌های آقای

ما، دختران ما، عفت را در زندگی می‌شناسند، آن قدر به خاطر مسائل جزئی مزاحم دختران ما نشوید.»
متأسفانه موضوعات مهم و حیاتی همچون مشکلات زنان سرپرست خانوار، وضعیت زنان در شهرهای کوچک و روستاها، اشتغال زنان و... در میان شوآف‌های انتخاباتی نادیده گرفته می‌شود.

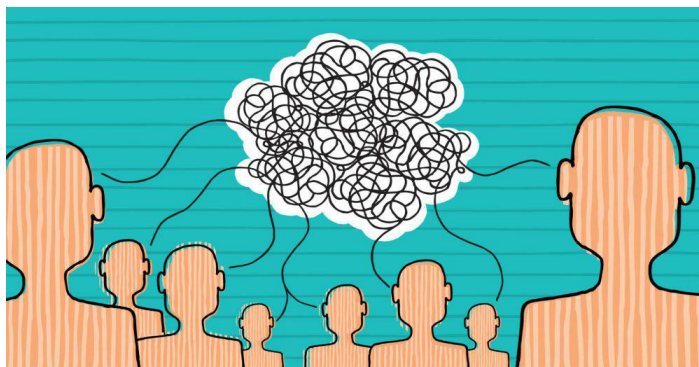
اقوام، حربه دیگر

در ایران به علت وجود اقوام مختلف و تقسیم بندی‌های زبانی و فرهنگی در داخل کشور و جمعیت پراکنده هر کدام از اقوام، اساساً رای‌گیری از هر قوم و اقلیتی خود می‌تواند برگه برنده‌ای برای نامزد باشد. در میان انتخابات‌هایی که انجام می‌شود تنها انتخابات ریاست جمهوری است که هر قوم نماینده منحصر به خود را ندارد، نتیجتاً جلب نظر سران یک قوم و به نوعی پیشگامان گروه‌ها کار مهمی است که باید نامزدها برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری انجام دهند. به همین خاطر در مناظرات به وفور شاهد وعده‌هایی به اقلیت‌های دینی و قومیتی بودیم تا جایی که کار به شعرخوانی با لهجه‌ها و زبان‌های مختلف هم رسید. رهبر معظم انقلاب بارها از طرح چنین مباحثی اعلام نارضایتی کردند. ایشان فرمودند: «نامزدها سعی کنند گسل‌های اعتقادی، جغرافیایی، زبانی و قومی را تحریک نکنند؛ مراقب باشند؛ نامزدها به خاطر خطای در تشخیص، این گسل‌ها را به نفع دشمن تحریک نکنند.»

به هر جهت، آن چه که به عنوان ثمره مشارکت کاذب نگران‌کننده است، علاوه بر دل‌سردی رأی‌دهندگان، به‌حاشیه‌رفتن مطالبات اصلی‌ست. در اصل، اولویت اقلیت‌ها با تولید مطالبات نادرست نادیده گرفته می‌شود که این امر خود آسیب‌های جدی به خلأهای موجود در حقوق اقلیت‌ها می‌زند.

علت‌های کاذب شده است که همین امر فضا را برای مشارکت سالم سخت می‌کند. اگر علت و نیروی محرکه افراد برای حضور پای صندوق‌های رأی غیرواقعی و نشدنی باشد، چندی پس از انتخابات همین افراد زمانی که با وضعیت نامطلوب مواجه شوند، از مشارکت موثر خود دل‌سرد می‌شوند. این چرخه که نقطه آغاز آن، از زمان تبلیغات نامزدها شروع می‌شود، در نهایت خود را در قامت ناامیدی از مشارکت در دوره بعدی انتخابات نشان می‌دهد. گسل‌های انتخاباتی همچون مطالبه فضای زنان و اقلیت‌ها، به علت ماهیت فریب‌کارانه خود نسبتی با واقعیت ندارند. به طور مثال، وام ۵۰۰ میلیون تومانی به زوج‌های جوان که یکی از وعده‌های قاضی‌زاده هاشمی بود و یا وعده حقوق به زنان خانه‌دار، دقیقاً مشخص نیست از کدام خزانه قرار است تامین شود. وعده‌ای همچون بر روی کار گذاشتن درصدی از زنان در مقام وزارت توسط عبدالناصر همتی، بدون برنامه مشخص و طرح کلان و البته مهم‌تر از آن، تقلیل دادن مطالبات زنان به جایگاه‌های اینچینی، اذهان را به یاد تبلیغات حسن روحانی می‌اندازد؛ فردی که در زمان ریاست خود علی‌رغم تمام وعده‌ها برای وزارت زنان هیچ اقدام موثری انجام نداد.

یکی از موضوعاتی که منجر می‌شود فعال شدن گسل‌های انتخاباتی منتج به پیروزی شود، مسئله «حافظه تاریخی» است. افرادی که نیروی محرکه خود را وعده‌هایی بدون پشتوانه قرار می‌دهند، در دهه‌های مختلف به تکراری بودن سوژه‌های تبلیغاتی توجه نمی‌کنند. به طور مثال، هنگامی که عبدالناصر همتی در پاسخ به سوال «برنامه شما برای اشتغال زنان چیست؟» مسئله پیامک به دختران را مطرح می‌کند، جمله معروف حسن روحانی در انتخابات سال ۹۶ تداعی می‌شود که می‌گفت «زنان



نظر گرفتن روش‌های تربیتی و محیط‌های خانوادگی در فرهنگ‌های مختلف، به‌وجود آمدن نوعی خاص از مکتب سیاسی مانند فاشیسم، کمونیسم، دموکراسی و... را توجیه کنند. ویژگی‌های شخصیتی رهبران سیاسی نیز از موضوعات مورد توجه در این حوزه است. مطالعه الگوهای رفتاری که رهبران سیاسی در مواجهه با وقایع مختلف سیاسی پیش گرفتند؛ قدرت پیش‌بینی رفتارهای آنان در آینده را به تحلیلگران حوزه روانشناسی سیاسی خواهد داد. از اولین فعالیت‌هایی که با این هدف انجام شد، می‌توان به تحقیقات سازمان سیا در

روان‌سیاست



یادداشتی در باب روان‌شناسی سیاسی
محیا کوشکی زمانی
کارشناسی روان‌شناسی

امروزه روان‌شناسی سیاسی و اجتماعی به یکی از حوزه‌های مورد توجه در تحلیل پدیده‌های سیاسی بدل شده است. مفاهیم روانشناختی مانند تیپ‌های شخصیتی، زبان بدن، تکنیک‌های اقناع، تکنیک‌های انتخاباتی و... در تعامل با مفاهیم علوم سیاسی و علوم اجتماعی مانند اقتدار، هویت، تبلیغات، افکار عمومی و... گستره جدیدی از علم و دانش در پیش روی محققان گشوده است. این حوزه دارای گرایش‌های متعددی نظیر روان‌شناسی سیاسی رهبران، مذاکرات سیاسی، روان‌شناسی سیاسی، رسانه‌های جمعی و... می‌باشد. قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گرایش در این حوزه روانشناسی رهبران سیاسی است که در نیمه اول قرن بیستم با نام زندگی‌نامه روان‌شناختی مطرح شد.

روانشناسی مکاتب سیاسی نیز از گرایش‌های مورد توجه محققان است. در این حوزه روان‌شناسان سعی دارند با در

نشان می‌دهد که استفاده از روانشناسی سیاسی و انتخابات به صورت معناداری نتیجه را تغییر خواهد داد.

احتمالاً کاندیداهای ریاست جمهوری در ایران هم در میان مشاوران خود، از متخصصان این حوزه بی‌بهره نبوده‌اند و سعی کردند به برخی از مهم‌ترین سوالات با استفاده از این شیوه‌ها پاسخ بدهند تا بتوانند توجه قشر بیشتری از مردم را به خود جلب کنند. انتخاب یک گفتمان، مهم‌ترین کاریست که آنان انجام می‌دهند. از این جهت که مسائل و مشکلات فعلی مردم را شناسایی کنند و بتوانند یک مفهوم ضد شرایط فعلی که مورد نارضایتی مردم است را تعریف کنند و از این طریق بر آن‌ها تاثیر بگذارند. یکی دیگر از تکنیک‌ها توجه و ضریب دادن به اقشار خاصی از جامعه است که ممکن است در زمان‌های دیگر به آن بی‌توجهی شده باشد؛ مثل توجه ویژه به اقوام و زنان که در این انتخابات هم شاهد آن بوده‌ایم؛ این کار اساساً همان کاریست که باعث می‌شود رأی‌های خاکستری و یا خاموش را بیدار و به سمت خود جلب کرد. هرچند استفاده افراطی از آن، بعضاً نتیجه عکس می‌دهد! از دیگر مسائلی که می‌توان به آن اشاره کرد، زبان بدن نامزدها در مناظره‌ها و سخندانی‌هاست که تاثیر غیرمستقیمی بر اذهان افراد می‌گذارد.

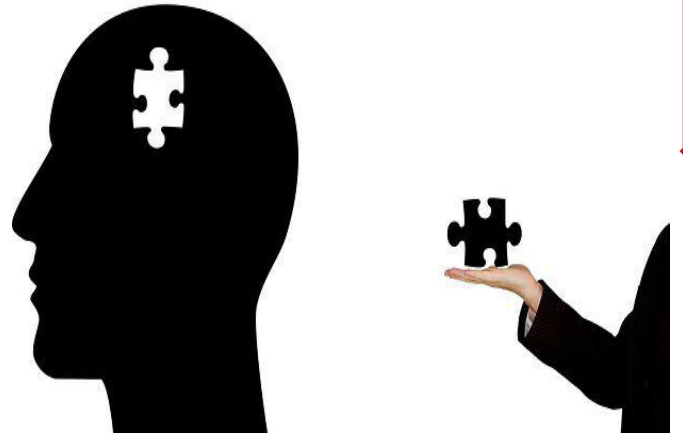
محققان عوامل زیادی را برای مشارکت مردم در انتخابات عنوان کرده‌اند. «خودکارآمدی سیاسی» یکی از این عوامل است. خودکارآمدی سیاسی اشاره به احساس اثر هر رأی و درک گفتمان کاندیدها در هنگام مناظره است. به بیان دیگر، فرد در هنگام دیدن برنامه‌های کاندیدا باید احساس کند صحبت او را به صورت ملموس و واضح درک می‌کند. مؤلفه دیگر، وظیفه شهروندی است. هر فرد در جامعه باید خود را مسئول آینده کشور بداند و نسبت به این مسئله که چه فردی زمامدار کشور خواهد شد، حساس باشد. عامل دیگری که مشوق افراد خواهد بود و آن‌ها را ترغیب خواهد کرد، برانگیختن احساسات ملی، مذهبی و یا قومی است. گره‌زدن رأی دادن و انتخابات به ریسمان محکم ملیت و قومیت در بسیاری از موارد، مردم را به پای صندوق‌های رأی کشانده‌است.

همان گونه که گفته شد؛ در تعامل رشته‌های روانشناسی، علوم سیاسی و علوم اجتماعی، ظرفیت‌های زیادی پیش روی هر دو رشته گشوده‌است. در ایران نیز، چند سالی است که تألیفات، در این حوزه بیشتر شده‌است و به صورت کاربردی نیز در انتخابات و دیگر فضاها سیاسی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی هنوز آن گونه که باید و شاید، به سطح نظری و عملی مناسب نرسیده‌ایم. امید است که در آینده‌ای نه چندان دور، بتوان از ظرفیت‌های این حوزه بین رشته‌ای در میهن عزیزمان نیز به قدر مطلوب استفاده کنیم.



آمریکا، جهت بررسی شخصیت آدولف هیتلر برای پیش‌بینی اقدامات آتی او در جنگ جهانی دوم اشاره کرد.

به عنوان اولین و مهمترین کاربرد روانشناسی سیاسی در حوزه سیاست خارجی و مذاکرات نیز می‌توان به تیم کارشناسان حوزه روانشناسی سیاسی در دستگاه وزارت خارجه آمریکا در جریان مذاکرات صلح کمپ دبوید اشاره کرد. کارشناسان، شخصیت انور سادات، رهبر مصر و مناخیم بگین، رهبر اسرائیل را بررسی کردند. دستاوردها به قدری موثر بود که کارتر را به شگفتی واداشت.



مسئله هویت از دیگر مسائل حائز اهمیت در روانشناسی سیاسی است. نحوه هویت‌زدایی از کشورهای جهان سوم برای غلبه راحت توسط کشورهای توسعه یافته، هویت‌یابی کودکان و نوجوانان در کشورهای صنعتی و پیشرفته و استفاده قدرت‌ها از بحران هویتی که برخی جوامع درگیر آن هستند، از موضوعات مورد بحث در این زمینه است.

با همه گستردگی که این حوزه دارد، بیشترین کاربرد آن در حوزه انتخابات خود را نشان می‌دهد. روان‌شناسان سعی دارند در حوزه روان‌شناسی انتخابات به سوالات زیر پاسخ دهند:

افراد با چه ویژگی‌هایی به احتمال بیشتری در انتخابات شرکت می‌کنند؟ چه عواملی در ترجیح سیاسی مردم دخیل است؟ چه فاکتورهایی بر تصمیم‌گیری سیاسی مردم تاثیر می‌گذارد؟ چرا مردم رأی می‌دهند؟ مردم بر چه اساسی کاندیدای مورد نظر خود را انتخاب می‌کنند؟ هیجان‌ات در ادراک افراد از برنامه‌های کاندیداهای انتخاباتی و مقبولیت آن‌ها نقش دارند؟ اهمیت استفاده از این علوم زمانی مشخص می‌شود که بین کاندیدها برای به دست آوردن جدیدترین محتوای علوم رفتاری و روانشناختی رقابت به وجود می‌آید و هر یک سعی دارند با هزینه بیشتر، روانشناسان و دانشمندان را ترغیب کنند که در ستاد آن‌ها مشغول شوند. انتخابات ۲۰۱۲ در آمریکا از نمونه‌های بارز این مسئله است. اوباما در کمپین انتخاباتی خود از دانشمندان علوم رفتاری و روان‌شناسان انتخابات ماند تاد راجرز استفاده کرد. افراد فعال در ستاد انتخاباتی او با ۱۵۰ میلیون نفر ارتباط گرفتند تا در جهت اقناع آن‌ها تلاش کنند. ارتباط‌گیری به صورت تماس تلفنی و یا ارتباط چهره به چهره انجام می‌شد.

امروزه در آمریکا و بسیاری از کشورهای توسعه یافته از این تکنیک‌ها جهت افزایش مشارکت سیاسی و یا رأی‌آوری کاندیدای مورد نظر، بیشترین بهره را می‌برند. نتایج بررسی‌ها



ما هم به لطف چند سال فعالیت در یک تشکل انقلابی از این شناخت برخوردار بودیم.

سوم:

ما در دوران بدی دانشجوی دانشگاه طهران شده ایم، حداقل در این چند سالی که من میهمان دانشگاه خیابان انقلاب شده‌ام حضور اکثر رجال سیاسی کشور در دانشگاه نمایشی بوده است، هر بار وارد سالن شهید چمران می‌شوم حسادت می‌کنم به چند هزار دانشجویی که احتمالاً روزهای جذاب آنجا را دیده‌اند. شاید تنها برنامه سیاسی-دانشجویی چند سال اخیر برگردد به ۱۶ آذر ۹۸، زمانی که رئیس جدید دستگاه قضا به دانشگاه آمد و با دانشجویان به گفتگو پرداخت. الحق سید ابراهیم رئیسی در آن برنامه امیدوارمان کرد که هنوز در جمهوری اسلامی مسئولی پیدا می‌شود که بیاید پای حرف های دانشجویان بنشیند. قاضی القضاة آن روز ناراحت نشد. آن برنامه خیلی دلچسب بود؛ راستش دلچسب بودنش به خاطر ناراحت نشدن آقای رئیسی نبود، اگر مانند محمد خاتمی میگفت بیرونمان کنند هم دلچسب بود. ما دانشجویان دلمان برای اینکه بتوانیم با صدای رسا صدایمان را در دانشگاه به گوش مسئولان برسانیم تنگ شده بود. تنها امیدمان جلسات رمضان با رهبر انقلاب در این سالها بود. البته خالی از لطف نیست که اشاره کنم آقای رئیس جمهور! الحق در حضور در جمع دانشجویان گل کاشته اند، آنقدر دانشگاه آمده‌اند و با دانشجویان سخن نگفته اند که شایسته دریافت نوبل این نوع جلسات هستند، علی برکت الله.



دیدار دانشجویی یا میتینگ انتخاباتی؟



روایتی از نشست فعالین دانشجویی با سید ابراهیم رئیسی در مسجد دانشگاه تهران

به درخواست نویسنده، نام ایشان بیان نمی‌شود

صفر:

تشکل‌های دانشجویی دانشگاه تهران طی نامه‌ای خطاب به نامزدهای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از آنان دعوت کردند که در نشستی به سوالات دانشجویان پاسخ دهند، آنچه مدنظر بود، آن بود که نامزدها سوالات و نقدهای دانشجویان را بشنوند و به آنان پاسخ دهند.

یک:

چند سال قبل که دانشجو نبودم تصورات مختلفی از دانشگاه تهران داشتم و یکی از وجوه مهم آن، تصورات حضور رجال (رجال نه فقط به معنی آقایان!) سیاسی کشور در آنجا و گفتگو با دانشجویان بود، از حضور شهید بهشتی و ماندنش در سالنی که برق آن رفته بود تا آن عکس معروف که شیخ فقیه هاشمی رفسنجانی میکرفون را جلوی یک دانشجو گرفته که بعد ها متوجه شدم آن فرد حسام علامه از ادوار انجمن تهران است، تا فیلم معروف «میگویم بیرونشان کنند» سید محمد خاتمی، از قضا الان که این متن را مینویسم متوجه شدم که بیشتر این رخدادها تاریخی، در سالن شهید چمران بوده است، پرمراجراترین سالن دانشگاه های کشور!

دو:

اگر کمترین شناخت را از فضای تشکل‌های دانشجویی و ستادهای انتخاباتی داشته باشی متوجه می‌شوی هر ستاد و یا نامزد انتخاباتی می‌تواند برای خود دو مدل برنامه دانشجویی برگزار نماید. مدل اول برگزاری میتینگ انتخاباتی که در آن صرفاً «خودگویی و خود خندی» اتفاق می‌افتد و مدل دوم، در یک برنامه دانشجویی حضور پیدا کند و خود را در معرض سوالات و نقدهای دانشجویان قرار بدهد؛ طبعاً آنچه حریت جنبش دانشجویی می‌طلبد، مدل دوم است و آنچه معمولاً مدنظر فعالین ستادهای نامزدهاست مورد اول.

چهار:

رئیس حاج حیدر در «بادیگارد» جمله تلخی دارد: «تموم شد دهه شصت، الان دهه نوده»، این جمله در مصادیق متفاوتی صدق می‌کند. شاید یکی از دلایل عدم حضور مسئولین در دانشگاه همین دهه نود بودن است. امسال سالی بود که به واسطه انتخابات ریاست جمهوری می‌شد دانشگاه سیاسی‌تری را تجربه کرد. بعد از دعوت تشکل‌ها از نامزدها خوشحال بودم؛ می‌شد انتظار چند جلسه دانشجویی را داشت اما امیدوار به برگزاری این جلسات نبودم. اساسا مشاورین آقایان نقد شدن را به صلاح افراد نمی‌دانند. اما سه شنبه با پوستر حضور آیت الله رئیسی در جمع دانشجویان مواجه شدم، باز هم قاضی القضاات که بنای ریاست جمهوری در سر داشتند اولین کسی بود که در دانشگاه حاضر می‌شد. به اکانت ثبت نام جهت حضور در برنامه پیام دادم و در نهایت دعوت شدم به جلسه دانشجویان با جناب آقای سید ابراهیم رئیسی. چهارشنبه، بعد از نماز ظهر و عصر، مسجد دانشگاه طهران. چهار-دو

وارد مسجد دانشگاه شدم. متاسفانه مانند ۱۶ آذر سال قبل مقابل درب مسجد گوشی و کیف خود را تحویل دادم. به جز جلسات دیدار دانشجویی و هیات‌های با حضور رهبر انقلاب در جلسه و جایی که گوشی‌ام را تحویل دهم، احساس صمیمیت نمی‌کنم اما این جلسه از آن جلساتی بود که برایم ماندگار می‌شد. در مسجد دانشجویان زیادی حاضر بودند که همه‌شان دانشجوی دانشگاه طهران نبودند. آنجا متوجه شدم برنامه، صرفا مخصوص دانشجویان دانشگاه طهران نیست؛ از چند نفر پرسیدم که حاج آقا نماز را جماعت می‌خوانند؟ کسی نمی‌دانست! احتمالا این عدم اطلاع از زمان حضور قطعی هم بخشی از پروتکل‌ها باشد. امام جماعت حجت الاسلام کرمی بودند، مسئول نهاد دانشگاه. نماز ظهر و عصر را خواندیم و بعد از نماز، آقای رئیسی وارد شد.



چهار-سه

مجری همان مجری ۱۶ آذر ۹۸ بود. از مسئولان سابق تشکلی که در آن مشغولم، بعد از تعارفات اولیه از آزادی دانشجویان محکوم شده توسط دستگاه قضا تشکر کرد و نام نفر اول را خواند. حمید محمد پور؛

او را می‌شناختم؛ دبیر اتحادیه جنبش عدالتخواه بود. پشت تریبون آمد. معلوم بود کمی هول شده است؛ انگار که زودتر از حالت معمول صدایش کرده‌اند. صحبت‌های دانشجویان شروع شد؛ محمد پور از احتمال سهمیه‌ای بودن دولت آقای رئیسی گفت، از فضای ستاد ایشان و عدم اشراف بر موضوعات تخصصی، حین صحبت‌های او، متوجه شدم این یک میتینگ انتخاباتی نیست، در میتینگ انتخاباتی به این شدت نقد نمی‌کنند، در میتینگ انتخاباتی اصلا نقد نمی‌کنند! صحبت‌های سایر افراد نیز موید تصورم شد، نفرات بعد نیز در صحبت‌هایشان علاوه بر مطرح کردن سوالات و توصیه‌ها، نقدها را صریح مطرح کردند. تا اینجای جلسه به هیچ وجه شبیه یک میتینگ انتخاباتی نبود، واقعا خوشحال بودم. راستش از ۱۶ آذر سال قبل خوشحال تر بودم، با خودم که فکر کردم اگر در ستاد ایشان بودم ممکن بود با حضورش در دانشگاه مخالفت می‌کردم، کسی که تنها مسئولی بوده است که سال گذشته به دانشگاه آمده و به استناد آن جلسه می‌تواند خودش را شنونده صحبت دانشجویان بنامد، چرا در این برهه باید مجدد به دانشگاه بیاید تا دوباره خودش را در معرض نقد قرار دهد؟ اما روحیه دانشجویی ام همچنان می‌گفت اگر در ستاد ایشان هم بودی باید خودت را جای دانشجویان قرار می‌دادی و تمام تلاشت را می‌کردی که یک جلسه دانشجویی برگزار شود. صحبت‌های نفر آخر تمام شد. حال نوبت آقای رئیسی بود به پشت تریبون بروی. قبل از شروع برنامه از یکی که شبیه برگزارکنندگان برنامه بود و من می‌شناختمش پرسیدم ما سوالاتمان را چطور می‌توانیم مطرح کنیم. گفت: به همان اکانتی که برای حضور پیام داده‌ای سوالت را بفرست؛ قرار است سوالات تحویل آقای رئیسی بشه. گفتم الان که گوشی‌ام را تحویل داده‌ام چطور اینکارو بکنم. گفت راست می‌گی؛ بعد از صحبت‌های حاج آقا قراره میکرفون بچرخونن و چند نفر سوال بپرسند، دست بالا ببر شاید فرجی شد تونستی صحبت کنی؛ با شوخی هم گفت تو از بچه‌های خودمونی احتمال اینکه بهت میکرفون بدن زیاده. الحمدلله فعالیت و مسئولیت گرفتن در تشکل یک جا برای ما ممکن بود نفع داشته باشد. آقای رئیسی صحبت‌های خودش را شروع کرد؛ از توصیه‌ها و سوالات تشکر کرد و از بعضی نقدها هم که به نظر خودش کمی غیرمنصفانه و از سر ناآگاهی بود گله کرد. من همچنان که داشتم به سوالی که اگر فرصت می‌شد باید می‌پرسیدم، فکر می‌کردم، به صحبت‌های آقای رئیسی نیز گوش میدادم. به یک باره خیلی متعجب شدم، آقای رئیسی چند جمله انقلابی گفت و یکدفعه جمعیت شروع به دست زدن کرد آن هم در مسجد! و این دست زدن چند بار تکرار شد. اواخر صحبت آقای رئیسی شبیه میتینگ انتخاباتی شده بود. صحبت‌های ابتدای جلسه و جو آخر جلسه برایم متناقض بود. فضای صحبت‌های انتهایی آقای رئیسی شبیه این نبود که جلسه قرار است پرسش و پاسخ داشته باشد. صحبت‌های آقای رئیسی که به اتمام رسید، جلسه هم به اتمام رسید؛ بدون پرسش و پاسخ. روند جلسه برایم عجیب بود. بعد از جلسه حین میل کردن کیک و آبمیوه، تصمیم گرفتم با یکی از افرادی که می‌شناختمش و او هم مرا می‌شناخت و میدانستم از من بیشتر درباره برنامه خبر دارد، صحبت کنم. به او درباره روند جلسه گفتم. از اینکه میتینگ بود یا جلسه پرسش و پاسخ، انتظار نداشتم قانعم

کند.

پنج:

معلوم بود خسته است، هم از لحنش این مشهود بود هم از چشم‌هایش. از الان به بعد سعی می‌کنم صحبت‌های او را کامل نقل کنم:

«ببین اساساً ما تو این چند سال اخیر به واسطه تغییر نگاه در یک سری مسئولین و به ویژه مشاورین رسانه‌ای شون که اون هم به واسطه گسترش فضای مجازی به وجود اومده و هر چیزی که اتفاق می‌وفته سریع پخش میشه، نتونستیم اون نحوه صحیح مواجهه دانشجو و مسئولین رو تو فضای دانشگاه داشته باشیم. قطعاً مواجهه درست مواجهه ای نیست که الان اتفاق می‌افته، اما الان مولفه‌های زیادی باعث شدند که این مدل اتفاق بیفته. این مدل دانشگاه اومدن رو هم آقای روحانی باب کرده که البته واقعا برنامه پارسال ۱۶ آذر و برنامه امروز نسبت به چند سال اخیر بی نظیر بوده. درباره برنامه امروز هم ما شکل‌ها از همه کاندیداها دعوت کردیم از همه ستادها هم پیگیری کردیم، ستاد آقای رئیسی برنامه دانشجوییشون رو سپرده بود به ستاد دانشجویی، ستاد دانشجویی هم چالش‌های زیادی با ستاد مرکزی سر برگزاری جلسه داشت، طبعاً خیلی‌ها به صلاح نمی‌دونستند این مدل جلسه ای در این زمان برگزار بشه، ما چند جلسه با ستاد دانشجویی برگزار کردیم، پیشنهادشون این بود چون بیشتر دانشگاه‌ها و تشکل‌ها از آقای رئیسی دعوت کردند و اگر فقط دعوت یک دانشگاه رو قبول کنند شاید باعث سوءتفاهم برای بقیه بشه، ما از نماینده‌های اتحادیه‌ها برای صحبت دعوت کنیم. پیشنهادشون این بود یک نفر هم از طرف ستاد صحبت کنه و ما این رو قبول نکردیم. خودشون هم متوجه اشتباه بودن ماجرا شدند و نهایتاً تصمیم بر این شد چند نفر به نمایندگی از تشکل‌ها صحبت کنند. البته این با مدل مدنظر ما که احتمالاً برای بقیه نامزدها در نظر گرفتیم، متفاوت بود ولی خب هماهنگی این جلسه و آدم‌هایی که نظر میدادند، نهایتاً مارو مجبور کرد که یک سری از نکاتمونو کنار بذاریم. اهمیت دانشجویی بودن جلسه هم اون دوستان رو مجبور کرد یک سری از ملاحظات خودشونو در نظر بگیرند. یه جورایی چون متولی برگزارکننده از طرف ستاد آقای رئیسی ستاد دانشجویی بود و متولی برگزاری از طرف دانشجویها هم ما بودیم، باید درباره یک سری موارد به جمع بندی می‌رسیدیم و جمع بندیمون هم این بود که یک جلسه کاملاً دانشجویی برگزار بشه و فقط نماینده تشکل‌ها صحبت کنند. حالا این وسط نکات دیگه ای هم بود که قابل حل نبود. مثلاً ورود گوشی یک مساله ای بود که به هیچ وجه قابل مذاکره نبود. چون پروتکل حفاظتی رئیس قوه است و حفاظت هم ضوابطی لازم الاجرا داره. ببین ما مثلاً نتونستیم مساله ورود یک سری که هماهنگ نشده بودند رو حل کنیم ولی مسئله گوشی غیر قابل حل بود. اینارو چرا می‌گم چون می‌خوام متوجه بشی هماهنگی چنین برنامه ای در حالت عادی، سخته و در حالت انتخابات بسیار سخته‌تر. پس قرار بود یک جلسه دانشجویی برگزار بشه حالا احتمالاً چیزی که جلسه رو به نظرت شبیه میتینگ کرده، دست زدن‌های آخر جلسه باشه. درباره دست زدن‌ها اولاً که به نظرم چون جلسه داخل مسجد بود، بهتر بود تذکر داده بشه اما اصلاً اگر جلسه داخل مسجد هم نبود، جلوگیری از دست زدن تو

جلسه‌ای قبل از انتخابات کار اجتناب ناپذیره و این کار وقتی جلسات با کاندیدای اصلی یه جریانیه که حاضرین جلسه هم از همون جریان اند، عملاً غیر قابل تحققه. بالاخره چند نفر هستند که به اون کاندیدا علاقه مندند و برایش دست می‌زنند. اگه یادت باشه برنامه ۱۶ آذر سال قبل هم چندبار برای آقای رئیسی دست زدند، تازه اون موقع فضا به اندازه الان هیجانی و انتخاباتی نبود، ایشون فقط یک مسئولی بود که در دانشگاه حاضر شده بود؛ مجموعاً هم به واسطه انتخابات هماهنگی‌ها سخت‌تر شده، مثلاً ما همه موافق بودیم انتهای جلسه پرسش و پاسخ باشه، یک دفعه تیم حفاظت حاج آقا گفتند برای اینکه به سفر اهواز برسند باید زودتر برن، حتی کسانی هم که مخالف جلسه بودند موافق پرسش و پاسخ بودند ولی تصمیمی بود که نمیشد عوضش کرد، الان هم باید بتونیم یه روایت صحیح از جلسه بدیم».

شش:

با صحبت‌هایش تقریباً قانع شدم که این اتفاق دانشجویی‌ترین حالتی بوده که میتوانست با توجه به محدودیت‌هایی که وجود داشته اتفاق بیافته. روز بعد برنامه، یک کلیپ از صفحه آقای رئیسی پخش شد که به بخش کوتاهی از صحبت‌های دانشجویها پرداخته شده بود. از بقیه کاندیداها هم فقط آقای زاکانی دعوت را پذیرفت و آقای همتی علی‌رغم پذیرش دعوت، حضور پیدا نکرد. آقای قاضی زاده هم پذیرفته بودند اما گویا زمان شان جابه‌جا شده بود. بعد از گذشت چند روز از همان کسی که با او صحبت کرده بودم، پیگیر شدم که چرا هنوز فیلم‌ها منتشر نشده و گفت «همان افرادی که مخالف جلسه بودند، الان با انتشار صحبت‌ها مخالف هستند. ما خودمون اجازه ضبط داشتیم، البته تا چند دقیقه قبل از شروع برنامه! یک دفعه یک ناهماهنگی پیش اومد و چون چند دقیقه قبل شروع برنامه این ناهماهنگی پیش اومد نمیشد کاریش کرد، ستاد دانشجویی هم گفته بود فیلم کامل رو از ستاد میگیره و به ما میده که متأسفانه به دلیل نگرانی غلط و بیجای همون دوستان مخالف برنامه هنوز انجام نشده، ما الان پیگیر این هستیم که این فیلم‌ها رو بگیریم از شون و باید ببینیم نتیجه چی میشه...».

هفت:

دوران دانشجویی من رو به اتمام است. در این دوره که بخشی از آن هم به خاطر کرونا مجازی بود از مسئولین عالی رتبه نظام فقط سید ابراهیم رئیسی حاضر شد در بین دانشجویان حاضر شود. به جلساتی که با حضور ایشان برگزار شد، نقدهای متعددی وارد است اما مجموعاً نویدبخش آن است که هنوز هم می‌توان امیدوار بود که مسئولین در دانشگاه حاضر شوند و خود را در معرض نقد و سوال دانشجویان قرار بدهند. قطعاً هر کسی رئیس جمهور شود و بخواهد با این مدل در دانشگاه حاضر شود مورد مواخذه جریان دانشجویی قرار می‌گیرد و مسئولین باید در نحوه حضورشان در دانشگاه تجدید نظر کنند. در انتها بگویم به عقیده من، پرحادثه‌ترین مسجد ایران، شاهد مهم‌ترین و پرحاشیه‌ترین جلسه انتخابات ۱۴۰۰ بود.